



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۲/۱۴

عارف عباسی

چرا حال بدین منوال است



این وطن به صحنه تمثیل زورمندان ثروتمند و منم گویان خود سر و بی بند و بار مبدل گردیده، اصلاً قانون اساسی و چوچ و پوچش رنگ باخته، ضعیف، ناتوان و بی حیثیت و بی آبرو شده. عدالت و قضاء، محکمه، قاضی، مفتی، خارنوال، قوماندان و احوال دار جزء اشباح اند و وجود خارجی ندارند. بلند ترین مقامات توان تطبیق فیصله های قانونی خود را ندارند.

علم تمرد، بغاوت و سرکشی از هر جانب بالا است و هر معزولی صدا بر می آورد که هیچ قدرتی مرا از جایم شور داده نمی تواند.

اگر کسی جبراً به دستور بادران اصلی عزل خود قبول کرد، بنا بر اعتیاد به تکلیف روانی خود خواهی فکر می کند که واقعاً در علمیت استاد است و در شجاعت ستر جنرال، نهضت می سازد و انتحاری می پروراند و اعاده قدرت می طلبد.

اگر فهرست نامزدان انتخابات ریاست جمهوری را نظر اندازید به استثنای یکی دو تن همه همان آشنایان قدیم آزموده شده اند و بیشترین عبارت از همان یاغیان، باغیان از خود راضی و خود پرست اند. اما نه پرسیدی ای دوست عزیز!

که چرا در این گوشه دنیا حال بدین منوال است؟ و دلیل چیست؟

که حتی شخص اول مملکت را توان تطبیق قانون نیست و فرمانش ارزش پر کاه ندارد چه رسد به وزیر و والی و کوتوال.

اصل این سیر و رمز در عامل دیگری نهفته است زمانی که بازار خرید و فروش برده و چاکر رونق گرفت و سود این معامله بالا رفت هر زورمند، منم گوی بزنم امروزی برای کسب قدرت در چهار سوق خریدار بردگان خود را به چندین قدرت مندی فروختند و حلقه به گردن آویختند و پای دلال هم وطن خود ما در این داد و ستد شامل بود.

هر یک از این قماش را بادار، حامی، مولا و پیشوای بیرونی در عقب است، این غریدن ها و به بلندی بالا شدن ها نیروی خود را از منابع بیرونی ولی مقتدر گیرند، لذا نظام سست عنصر و مصلحت گراء را توان ستیز با این ها نبوده زمینه هرنوع زورآزمایی برای شان مساعد است.

ما خوب به خاطر داریم که چرخش چند طیاره نظامی امریکا بر قصر رشید دوستم او را به تضرع و زاری واداشت و دیگر از چپه می کنم و راسته می کنم توبه کرد، ولی در هرم قدرت باقی ماند. و اصابت یک راکت در حوالی اقامت گاه ربانی ناف بیچاره را ختلی ساخت از سرکشی و لجاجت دست کشید ولی در قدرت باقی ماند. یک سفر خلمی خلیل زاد جیب های امیر اسمعیل خان از عواید گمرکات هرات خالی ساخت و اما وزیر شد.

به خدا قسم که اگر راستی یک حکومت جدی، با شهامت و مردمی و قانون مند و جرأت تطبیق آن باشد و حمایت بیگانگان از این چاکران نباشد بعد از دو هفته حبس نه غری بینی و نه فشی و نه ترمردی و نه منم گویی، سکوت کامل برقرار شده زبان ها گنگ و راه معذرت خواهی در پیش خواهد بود.

این به معنی پیشنهاد استبداد و ستم پیشگی نیست بلکه پرسان، باز خواست و مؤاخذه مطابق احکام قانون است. در زمین نرم هر که بیل خود را عمیق تر فرو می برد. و خیال حکومت مؤقت به سر می پروراند. کجایی قانون و مجریان جدی احکام قانون یاد تان بخیر.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

چرا حال بدین منوال است

[A_abasi_tsheraa_haal_badin_menwaalast.pdf](#)